

زخم‌هایی از «آخوندهای درباری»

محمد محمدی

فعال
حوزه کتاب

از بار معنایی مثبت کلمه علم و عالم که عبور کنیم در همه ادوار تاریخ در مقابل جبهه حق علمایی بودند که نقش زیادی در پیشبرد اهداف طاغوت داشته‌اند؛ علمایی که از طرفی طبق روایتی از حضرت رسول (ص) چراغ‌های زمین و جانشینان پیامبران برای هدایت بشری هستند تبدیل به راهی برای ظلمت مردم و جانشینان طاغوت می‌شوند. تذکر قرآن نسبت به بلغم باعورا و علمای یهود بیانگر اهمیت توجه به این دسته از علماست. با مطالعه تاریخ اسلام نیز به نقش پررنگ این دسته از عالمان، از بعد رحلت پیامبر که دست به تحریف سنت و مظلومیت امیرالمؤمنین و فتوا برای جنگ با نوه رسول... و جعل احادیث برای حکومت طاغوتی بنی‌امیه و بنی‌عباس و برنامه مبارزاتی معصومان در برابر اهداف این دسته از علمایی خواهیم برد. انقلاب اسلامی نیز به عنوان تنها حکومت شیعه بر مبنای ولایت فقیه بعد از غیبت کبری نیز از مصاف با علمایی که در لباس روحانیت در خدمت طاغوت بوده‌اند مستثنا نبوده است. اهمیت توجه به این قشر که در ادبیات امام و رهبری با عنوان «مقدس‌نماهای بی‌شعور» و «آخوندهای درباری» معرفی می‌شوند به قدری است که امام در اواخر عمرشان رنج‌نامه‌ای با عنوان منشور روحانیت منتشر کرده و این دسته از علما را به عنوان بزرگ‌ترین عامل آسیب در پیشبرد اهداف اسلام معرفی می‌کنند. «انقدر که اسلام از این مقدسین روحانی‌نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین علیه‌السلام که در تاریخ روشن است.»

منشور روحانیت

در ادامه نیز امام، طلاب را نسبت به خطرات آنها متوجه کرده و آنها را مروج اسلام آمریکایی می‌داند. «طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند. اینها مروج اسلام آمریکایی و دشمن... هستند.» / منشور روحانیت بخشی از این هوشیاری نسبت به خطرات این قشر با آگاهی و مطالعه از پیشینه تاریخی آنها به دست می‌آید. کتاب مصاف به قلم سیدمحمد مهدی دزفولی به صورت مستند سه نفر از شخصیت‌های معاصر انقلاب که روزی در جایگاه مرجعیت و قائم مقام رهبری، مبنای ولایت فقیه را تدریس و روزی به عاملان کودتای نوزده و منتقدان به ولایت فقیه تبدیل شده‌اند، پرداخته است. توجه در بُعد تاریخی به سیر سقوط کسانی که روزی در خدمت جبهه حق بودند و سرانجام از مسیر خودشان منحرف شدند، ما را به یکی از مهم‌ترین اهداف تاریخ‌خوانی که «عبرت» است، نزدیک می‌کند.



روایت
نقد
یادداشت
گزارش
گفت‌وگو

روایت

نقد

یادداشت

گزارش

گفت‌وگو

۲۳ خرداد ۱۴۰۲

در نشست بررسی کتاب «هیژده چرخ» مطرح شد

«هیژده چرخ»؛ سفری معنوی به یک ساحت مقدس



می‌کنم که درصد بالایی از انتظاراتم برآورده شده است.

سمیه جمالی: هنوز در ایران به ناداستان توجه چندانی نمی‌شود

ناداستان، قالبی است که این روزها در دنیا پررنگ‌تر شده و مخاطبان هم از آن استقبال می‌کنند. در ایران هنوز به روایت نویسی، جستارنویسی و ناداستان توجه چندانی نمی‌شود و نگاه پایین دست به آن دارند.

برای سنجش و نقد ناداستان یا جستار، بهتر است ابتدا بدانیم با چه معیارهایی قرار است آن را بسنجیم. این‌که بخوایم این اثر را با معیارهای داستانی بسنجیم، اشتباه است. اگر با معیارهای رمان و داستان به این اثر نگاه کنیم، ایراد زیادی می‌توان از آن گرفت ولی اگر به عنوان ناداستان آن را بررسی کنیم، قضیه فرق می‌کند. بخش عمده اهمیت ناداستان در تجربه زیسته است و نویسنده در این کتاب تجربه زیسته خود را نوشته است.

تخیل هم در ناداستان جادارد

از نظر نثر، از اواسط کار پاپس از گذشت یک سوم داستان، نثر جامی افتد و از یک جایی به بعد حلاوت و شیرینی قلم اتفاق می‌افتد. برخلاف این تصور که در ناداستان تخیل جایی ندارد، من معتقدم که یک جاهایی تخیل هم در ناداستان جادارد و در این اثر نیز این را حس می‌کنیم. اتفاقاً جایی که نویسنده از تخیل استفاده کرده، موفق بوده و خط هم شکسته نشده است. همچنین معتقدم که پرداختن بیشتر به برخی شخصیت‌ها و ارائه جزئیات بیشتر، می‌توانست جذابیت روایت را بالا ببرد.

دوست داشتم برخی روایت‌ها بیشتر ادامه پیدا می‌کرد

در روایت نویسی نباید صرفاً چیزی را روایت کنیم و رد شویم، بلکه نویسنده باید با تدقیق و تجربه زیسته خود در ادامه به تحلیل بپردازد که در این کتاب کمتر چنین چیزی را می‌بینیم. نکته دیگر این‌که به نظرم برخی روایت‌ها می‌توانستند با یکدیگر ترکیب شوند. به تعداد عنوان‌ها و حجم اندک روایت‌ها نقد دارم. به عنوان خواننده، دوست داشتم برخی روایت‌ها بیشتر ادامه پیدا می‌کرد و بیشتر از آنها بخوانم. در مواردی احساس می‌شد که انگار به سؤالات ذهنی خواننده جواب داده نمی‌شود. حتی می‌شد در بخش‌هایی از کتاب از تصویر هم استفاده کرد. در کل این اثر را موفق دیدم و امیدوارم که خوب دیده و خوانده شود و امکان ترجمه داشته باشد.



کند. این روایت‌ها بیشتر شبیه یادداشت‌هایی هستند که هرچه جلوتر می‌رویم، بیشتر شکل داستانی به خود می‌گیرند و از اواسط داستان نیز خرده روایت‌ها به میان می‌آیند. در بخش‌های پایانی انگار نویسنده به یک ساحت معنوی ورود و سعی کرده مشاهدات خود را به خواننده منتقل کند.

شخصیت پردازی و فضا سازی

«هیژده چرخ» را می‌توان یک سفر معنوی به یک ساحت مقدس دانست که علاوه بر سیر و سلوک معنوی راوی، ما را هم به آن فضا می‌برد و مخاطب، معنویت حاکم بر آن فضا را حس می‌کند. در این اثر هم شخصیت پردازی و هم فضا سازی صورت گرفته است. در واقع از همه عناصر داستانی به اندازه استفاده شده است. با وجود تأکید بر ناداستان بودن این کتاب، چیزی که در نهایت در ذهن می‌ماند، داستان است، هرچند سعی شده رئال بودن کار پررنگ باشد. مخاطب به خوبی احساس می‌کند که نویسنده قرار نیست چیزی را از او پنهان کند.

همسان سازی در شروع و پایان، رعایت نشده!

یکی از نقدهایی که بر کتاب وارد است درباره موضوع همسان سازی محتواس؛ همسان سازی در شروع و پایان کار، چندان رعایت نشده است. روایت اصلی به عنوان یک کنش داستانی مطرح است ولی در این اثر وقتی خرده روایت‌ها وارد می‌شوند، روایت اصلی به نوعی رها می‌شود. هرچند نویسنده در پایان سعی کرده به خط اصلی داستان برگردد. فکر می‌کنم میانه‌های داستان به این دلیل که از خط روایت اصلی فاصله گرفته، اندکی برای مخاطب خسته‌کننده می‌شود. ماجرا در ابتدا با یک شروع مناسب داستانی همراه است، در میانه‌ها از خط اصلی فاصله گرفته و در پایان به خط و روایت اصلی بازگشته است.

این اثر را موفق می‌دانم

شخصیت اصلی این کتاب، در پایان به شخص دیگری تبدیل شده و انتظار ما هم از داستان همین است. در این کتاب، شخصیت اصلی به نوعی خودآگاهی و سیر و سلوک معنوی رسیده و به بیانی صاحب فتوا می‌شود. نویسنده توانسته کاری کند که مخاطب برداشت دلخواه خود را از داستان داشته باشد. در پایان من نوعی احساس می‌کنم داستان جایی تمام شده که باید تمام می‌شد. در مجموع این اثر را موفق می‌دانم و در مقام خواننده احساس



نشست بررسی کتاب «هیژده چرخ»، با حضور یونس عزیزی (نویسنده کتاب)، علی... سلیمی (نویسنده و منتقد ادبی)، سمیه جمالی (نویسنده و منتقد ادبی) و تعدادی از دست‌اندرکاران نشر صاد و اصحاب رسانه در خانه کتاب و ادبیات ایران برگزار شد.

یونس عزیزی: اتفاقات این کتاب واقعی است

انگیزه من از نوشتن این کتاب، از قبل طراحی شده نبود. به عنوان نویسنده، زبستی که دارم و اتفاقاتی که پیرامون من رخ می‌دهد، برایم اهمیت دارد. تقریباً از دو سال پیش که با حرم حضرت معصومه (س) ارتباط داشتم، اتفاقات روزمره و مراداتی را که با زائران داشتم، می‌نوشتم. بعد که تصمیم گرفتم این یادداشت‌ها را به کتاب تبدیل کنم، قالب روایت یا به بیانی روایت داستانی را برای آن انتخاب کردم. تمام اتفاقات این کتاب واقعی است. البته کسی که روایت می‌نویسد هم حتماً از عناصر داستانی برای جذاب کردن روایت استفاده می‌کند.

آیا این کتاب فقط برای شهر قم مصرف دارد؟

وقتی کتابی نوشته می‌شود، سیر خود را طی می‌کند و نویسنده هم به آن سنجاق نیست که بخواهد درباره آن توضیحی ارائه دهد. لذا اگر موفق باشد، مشخص می‌شود و اگر کم و کاستی داشته باشد هم مخاطب متوجه می‌شود. در جلسات نقد سعی می‌کنم بیشتر با شنیدن، در آثار بعدی کم و کاستی‌ها را برطرف کنم. درباره این موضوع که آیا این کتاب فقط برای شهر قم مصرف دارد یا همه مردم ایران، ذکر این نکته لازم است که هدف من این بوده که حتی اگر هم وطنی در سیستان و بلوچستان هم آن را خواند، بتواند با آن ارتباط برقرار کرده و فضای داستان را تصور کند.

علی... سلیمی: روایت‌های معمولی کتاب هم رنگ داستان به خود گرفته

معتقدم کتاب «هیژده چرخ» یک ناداستان است. از خواندن کتاب لذت بردم. این کتاب یک اثر ساده و صمیمی است. نه نویسنده کتاب ادعا کرده و نه موضوع آن برمی‌تابد که این اثر چیز ویژه‌ای باشد ولی چون نویسنده تکنیک بلد است و مهارت دارد، روایت‌های معمولی‌اش هم رنگ داستان به خود می‌گیرد. نویسنده در این اثر سعی کرده چندان از شخصیت اصلی دور نشود و مشاهدات خود را از یک ساحتی در این قالب روایت



سند مالکیت (کارت سبز) و سند کمپانی خودرو پژو 207i مدل ۱۴۰۱ رنگ مشکی شماره پلاک ایران ۱۱-۴۷۹ ۱۲ شماره موتور 191B0004407 شماره شاسی NAAR434E2NJ703175 به مالکیت نرگس مقرب مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

مدرک فراغ التحصیلی هادی نوریمان چارن فرزند داود به شماره شناسنامه ۳۴۴ صادره از تهران در مقطع کاردانی پیوسته رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی تفرش با شماره سریال ۲۴۹۹۵۲۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از بابتده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفرش به نشانی تفرش، میدان معلم به سمت جاده معین‌آباد مجتمع دانشگاهی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفرش صندوق پستی ۱۶۴-۳۹۵۱۵، کدپستی ۳۹۵۱۷-۳۹۵۱۶ ارسال نماید.

برگ سبز و سند کمپانی Quik R، مدل ۱۴۰۱، رنگ سفید، پلاک ۸۳۲ ۲۴۴-ایران ۳۸ شماره موتور M159673674، شماره شاسی NAPX212AAN1126930 به نام هدی احمدیان یزدی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سند کمپانی و کارت خودرو پراید مدل ۱۳۸۹، پلاک ۱۵۲ م ۸۹-ایران ۵۶ شماره شاسی S1412289473503 شماره موتور M1373472689 به نام فرزاد شعبانزاده مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.